

از سفره خالی تا ناهنجاری های اجتماعی
فقر چگونه جامعه را می بلعد؟

بررسی دلایل افزایش خط فقر در ۱۰ سال

صفحه ۸ ►



گام دولت برای کوچک سازی ساختار و مهار کسری بودجه

بلای دولت بزرگ

سیاست های درست نیز در انبوه سازو کارهای ناکارآمد گم می شوند. بزرگی دولت در ایران تنها در تعداد وزارتخانه ها یا کارکنان رسمی... **صفحه ۲ را بخوانید**

و نهادهای موازی که گاه مأموریت های مشابهی دارند و نتیجه این تداخل، اتلاف منابع، سنگینی تصمیم گیری و گسترش بروکراسی است. در چنین شرایطی، حتی

بزرگ و پیچیده شده که بخش قابل توجهی از منابع کشور را می بلعد. امروز دولت ایران یکی از پرهزینه ترین دولت های منطقه است؛ حجمی از دستگاه ها، سازمان ها

در سال های اخیر، یکی از مهم ترین چالش های اقتصاد ایران نه تحریم ها و نه نوسان های بیرونی، بلکه ساختار درونی دولت بوده است؛ ساختاری که به مرور زمان چنان



۳

یادداشت-۲

برنامه های توسعه و اهدافی که محقق نمی شوند

است که نتیجه را باوایل گاتی چون توسعه تعریف کنیم. به طور معمول دو مسیر برای توسعه اقتصادی تصور (است) مسیر اول معروف به رشدمحور است. در این راهبرد هدف گسترش پرسرعت تولید و رشد بالای آن است. افزایش تولید افزایش درآمد تولیدکنندگان را بدنبال دارد که تبدیل به سرمایه گذاری مجدد می شود. در این مدل در ابتدای قدم بر می دارند. ساختار بودجه و برنامه های توسعه ای اشکالات اساسی دارد. در این خصوص به این موارد اشاره می شود: عدم تطابق بودجه مصوب با عملکرد، عدم شفافیت در هزینه کرد بودجه، عدم مدیریت بهینه دارایی ها و بدهی های دولت، نداشتن مبنای سیاست گذاری و استراتژیک برای بودجه، عدم تسلط مجلس بر بودجه ریزی.

باین روند باید پرسید با اجرای برنامه های توسعه ای چه اتفاقی برای شاخص فقر در حال وقوع است؟ در مورد بیکاری و نابرابری و بطور ۹۴٪ این سه شاخص کاهش یافته اند بدون تردید دوره اقتصاد مورد نظر و برنامه های توسعه ای موفق بوده اند. اما اگر یک یادو در حالت بدتر هر سه این مسائل بدتر شدند عجیب

و سرمایه ای، و فناوری و انتقال تکنولوژی مناسب برای فرایند توسعه اقتصادی. (۲) نهادهای عمومی شبه خصوصی، دارای درآمد و هزینه های بالایی هستند. اینها بودجه هیچ نظارتی منابع وسیعی از درآمدها و هزینه ها را در اختیار دارند و بنا به صلاحدید خود هزینه می کنند. این رویه در چارچوب فرایند توسعه و نه در مسیر تعریف برنامه ها قدم بر می دارند. ساختار بودجه و برنامه های توسعه ای اشکالات اساسی دارد. در این خصوص به این موارد اشاره می شود: عدم تطابق بودجه مصوب با عملکرد، عدم شفافیت در هزینه کرد بودجه، عدم مدیریت بهینه دارایی ها و بدهی های دولت، نداشتن مبنای سیاست گذاری و استراتژیک برای بودجه، عدم تسلط مجلس بر بودجه ریزی.

باین روند باید پرسید با اجرای برنامه های توسعه ای چه اتفاقی برای شاخص فقر در حال وقوع است؟ در مورد بیکاری و نابرابری و بطور ۹۴٪ این سه شاخص کاهش یافته اند بدون تردید دوره اقتصاد مورد نظر و برنامه های توسعه ای موفق بوده اند. اما اگر یک یادو در حالت بدتر هر سه این مسائل بدتر شدند عجیب

یادداشت-۴

اهمیت کوچک سازی دولت

هم محدود می شود و از آنجایی که بازارهای صادراتی هم برای این شرکت ها با موانع تحریمی مواجه است، فعال سازی پروژه های عمرانی کمک می کند این شرکت ها راحت تر بتوانند سودسازی کنند. متأسفانه در سیستم بانکی ما بانک ها حدود ۱۰۰ درصد منابع شان را به شرکت های مربوط به خودشان می دهند، در نتیجه آن اصلی که باید به فردی وام دهیم که دارای بالاترین بازدهی باشد در اقتصاد ما اجرا نشده است. از سال ۱۹۷۰ به این طرف رکود تورمی در سطح دنیا به وجود آمد و اقتصاددان های آن زمان راه حلی که بتواند این مشکل را حل کند، پیدا نکردند. در نتیجه در کشورهای صنعتی تورم را روی دو درصد نگه داشتند و مقداری بیکاری و کساد را تحمل کردند. آنها اولویت را به مهار قیمت ها دادند. سیاست گذاران ما نباید از طریق نشر اسکناس و افزایش پایه پولی مسائل اقتصادی را حل کنند.

در کنار آن، تعداد قابل توجهی از نهادهای فرهنگی و غیراقتصادی از دولت ایران بودجه ای بسیار گسترده دریافت می کنند و این در حالی است که حتی دولت هایی که با مشکلات جدی مواجه نیستند نیز چنین خرج هایی ندارند. در چنین شرایطی ما از یک سو با دولتی مواجه هستیم که با مشکلات جاری بزرگ طرف است و از سوی دیگر برای دورانی طولانی در شرایط کلان آن اصلاحاتی انجام نشده و در کنار هم قرار دادن تمام این شرایط به ما نشان می دهد که چرا اقتصاد کشور در چنین بنیستی قرار گرفته است.

در شرایطی که تمام دولت ها در سال های گذشته بر این موضوع تأکید داشته اند که باید به سمت کاهش تورم حرکت کنیم و حتی برنامه ها و طرح های گوناگونی نیز در این زمینه ارائه داده و اجرایی کرده اند اما در عین حال کمتر به این موضوع مهم توجه شده که در ایران دولت خود به عنوان یک عامل مهم و اصلی بالا بودن نرخ تورم به شمار می رود. اگر بخش خصوصی واقعی در اداره بسیاری از این شرکت ها و سازمان ها وارد شده بود، پول واریزی را براساس سود و زیان و نیازهای واقعی می داد و در نهایت تصمیم می گرفت که یک بنگاه تا چه حد برای روی پا ماندن نیاز به سرمایه دارد و آیا اساساً بدهی لازم را دارد یا باید به تغییر، اصلاح یا حتی تعطیلی آن فکر کرد.

در این سال ها راهکارهایی ارائه شده که معمولاً نتیجه نهایی مدنظر را نداشته اند. یکی از چیزهایی که اخیر به آن پرداخته شده بحث مولدسازی است. به طور قطع مولدسازی درایی ها در صورتی که به درستی اجرا شود و منابع مورد نیاز بودجه را تأمین کند، می تواند در اقتصاد کشور تأثیر بگذار در غیر این صورت اگر همچنان کسری بودجه و انتشار اوراق ادامه داشته باشد هیچ اتفاقی برای اقتصاد و بورس نخواهد افتاد. وقتی پروژه های عمرانی در نتیجه کسری بودجه کاهش پیدا کند عملاً فعالیت بنگاه های کامودیتی محور



علی اکبر نیکوآبادی

کمیود آب و سیاست هایی که نیازمند بازنگری است

و دانشگاهیان در این زمینه هشدار و تذکار داده بودند. برای بررسی ریشه های این بحران باید کمی به عقب بازگردیم و رفتار مسئولان و فرهنگ عمومی سال های قبل را مرور کنیم؛ روز و روزگاری در این کشور رییس دولتی در سفرهای استانی اش به مردم اعلام می کرد هر اندازه دوست دارند، چاه حفر و آب های زیرزمینی را مصرف کنند! امروز چنین سیاست ها و چنین تصمیماتی را تجربه می کنیم. همین سیاست های غلط است که کار تهران را به چنین وضعیتی رسانده است. جداز نظام تصمیم سازی های کشور، الگوی مصرف آب در کشور نیز نیازمند بازنگری و تغییر است. مردم باید بدانند برای حیات و بقای خود الگوی مصرف آب و سایر گونه های انرژی را رعایت کنند. هر کس در هر نقطه ای باید تلاش کند، قدمی در این راه بردارد تا بحران مهار شود. اگر فردی هر روز دوش می گرفت و ۱۰ دقیقه زیر آفتاب به این هوسها و تذکارهای توجیهی شده که کار تهران به جیره بندی آب و هشدار رییس جمهور در باره تخلیه پایتخت رسیده است. من تقویمی دارم که مطالب، مصاحبه ها و یادداشت هایی که در زمینه مشکلات مختلف کشور از جمله بی آبی در آنها بازتاب داده شده را جمع آوری می کنم. دیروز این مطالب را بررسی می کردم، متوجه شدم ده سال پیش من نسبت به شرایط امروز تهران و بحران کم آبی هشدارهای جدی داده و اعلام کرده بودم که تهران با شرایط فعلی اوضاع نامناسبی را تجربه خواهد کرد. این هشدارها تنها از سوی من مطرح نشده بود و بسیاری از کارشناسان

وقتی خبرنگاری و اصحاب رسانه به من زنگ می زدند و درباره ریشه های کمیود آب تهران سوال می کنند، به یاد یادداشت ها و هشدارهایی می افتم که طی سال ها و دهه های اخیر در این زمینه مطرح و درباره مشکلات ناشی از کم آبی به مسئولان هشدار دادم. اما بیای تو جهی مدیران و مسوولان مواجه شدم. به همین دلیل است که متعقد اهایی رسانه و روزنامه نگاران این روزها بیشتر از اینکه به دنبال گفت و گو با کارشناسان باشند باید از مسوولان و مدیران و سیاست گذاران بپرسند که چرا به این تذکارها و هشدارها و پیش بینی های کارشناسی توجهی نکرده اند. آنقدر به این هشدارها و تذکارهای توجیهی شده که کار تهران به جیره بندی آب و هشدار رییس جمهور در باره تخلیه پایتخت رسیده است. من تقویمی دارم که مطالب، مصاحبه ها و یادداشت هایی که در زمینه مشکلات مختلف کشور از جمله بی آبی در آنها بازتاب داده شده را جمع آوری می کنم. دیروز این مطالب را بررسی می کردم، متوجه شدم ده سال پیش من نسبت به شرایط امروز تهران و بحران کم آبی هشدارهای جدی داده و اعلام کرده بودم که تهران با شرایط فعلی اوضاع نامناسبی را تجربه خواهد کرد. این هشدارها تنها از سوی من مطرح نشده بود و بسیاری از کارشناسان



حسین آخانی

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می کند

سایه تردید روی بورس

معاملات آخرین روز کاری هفته نیز با سایه تردید و فشار سنگین روزهای گذشته بر بازار آغاز شد. در همان ساعات نخست، صف های سنگین عرضه بار دیگر یادآور روزهایی شد که اکثریت سهامداران، حتی حرفه ای ترین سهامداران نیز به دنبال فروش و خروج از بازار بودند. شاخص کل بورس روند نزولی را آغاز کرده اما نکته مهم این بود که با وجود همین ریزش اولیه، تدریجاً بر شدت فروش کاسته شد و نمادهای بزرگ و کوچک آرام آرام از کف قیمتی فاصله گرفتند، به نوعی بازار ریزش...

صفحه ۴ را بخوانید

قانون، حریم و اختلاف نهادی در تهران ۶ هزار کیلومتری جدال بر سر مرزهای پایتخت

تهران، شهری که روزی در محدوده ای کوچک میان شمعیران و ری محصور بود، حالا بیش از هر زمان دیگری در حال بلعیدن پیرامون خود است. بر اساس آخرین مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، حریم تهران ۵۹۱۷ کیلومتر مربع برآورد شده است، یعنی حدود ۹ برابر وسعت محدوده قانونی شهر. این وسعت، بی انتها، حالا به میدان اختلاف میان شهرداری تهران، وزارت راه و شهرسازی و استانداری تهران تبدیل شده است. اختلافی که از پشت درهای جلسات فنی... **صفحه ۵ را بخوانید**

یادداشت-۵

مسیر شفافیت خودرو

عرضه خودرو در بورس کالا طی سال های اخیر به عنوان یکی از راهکارهای نوین تنظیم بازار خودرو در ایران مطرح شده است. مسیری که با هدف شفاف سازی قیمت، حذف واسطه ها و ایجاد رقابت سالم میان خریداران و تولید کنندگان طراحی شد. فلسفه این اقدام بر مکانیزم عرضه و تقاضا استوار است؛ جایی که قیمت خودرو نه با دستور، بلکه بر اساس رفتار واقعی بازار کشف می شود. با وجود آثار مثبت اولیه، اجرای کامل این سازوکار نیازمند مجموعه ای از پیش شرط ها است. نخستین شرط، وجود خودروهای واقعی قابل عرضه است؛ خودروی باید در انبار تولید کننده وارد شده و آماده تحویل باشد تا معامله در بورس معنا پیدا کند. در غیر این صورت، فرآیند عرضه به وعده تبدیل می شود و اعتبار سیستم را زیر سوال می برد. چالش دیگر، هزینه های جانبی خریدار، جمله مالیات، عوارض و هزینه خدمات تحویل است که گاهی خریداران را با افزایش غیرمنتظره قیمت نهایی مواجه می کند. همچنین اگر عرضه محدود یا تولید ناکافی باشد، همان مکانیزم رقابتی بورس می تواند به عاملی برای افزایش قیمت ها بدل شود. در چنین شرایطی، فشار تقاضا بالا می رود و به جای تعدیل، بازار دچار التهاب می شود. با این همه، بورس کالا مزایایی دارد که نمی توان نادیده گرفت. حذف دلالی و واسطه گردی از برجسته ترین دستاوردهاست. خریدار مستقیماً از تولید کننده خرید می کند، مبلغ معامله به طور مستقیم به حساب خودرو ساز واریز و سود واسطه ها عملاً حذف می شود. این سازوکار، شفافیت مالی و افزایش نقدینگی تولید کنندگان را در پی دارد؛ موضوعی که در شرایط کمیود سرمایه در گردش خودرو سازان اهمیت حیاتی دارد. در بستر بورس، کشف قیمت واقعی نیز شکل منطقی تری به خود می گیرد. وقتی قیمت ها بر اساس رقابت آزاد و داده های مشخص اعلام می شوند، مسیر شایعه سازی و اطلاعات غیر رسمی بسته می شود. به همین دلیل، عرضه در بورس از حیث اطلاع رسانی و اعتماد سازی عمومی نقش مهمی در آرام سازی فضای بازار دارد. سازوکار جدید همچنین به صورت مستقیم بر چرخه تولید اثر می گذارد. از آنجا که درآمد حاصل از فروش خودرو بدون واسطه وارد حساب خودرو ساز می شود، بنگاه ها توان مالی بیشتری برای سرمایه گذاری مجدد پیدا می کنند. تقویت نقدینگی به معنی افزایش توان تولید و احتمال کاهش فاصله عرضه و تقاضاست؛ مسالهای که می تواند در بلندمدت به تعدیل قیمت ها و ثبات بازار منجر شود. بورس کالا صرفاً ابزار است؛ نه هدف. اگر بر تولید داخلی، تنوع مدل ها و ظرفیت واردات تمرکز نشود، این مکانیزم به مانع دیگری تبدیل خواهد شد.

حداکثر قیمت نیست...**ادامه در صفحه ۷**